پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، انجمن مطالعات جهان اسلام
فصلنامه علمی (مقاله علمی – پژوهشی) پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال دهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۹، صص ۱۲۴ – ۹۹

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۰۰۱۰۵

گروه‌های اسلام‌گرای افراطی و بی‌ثباتی سیاسی سوریه

حسین انصاری فرد[۱]
غلامرضا خواجه سروی[۲]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۰۲ **تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۲۱**

چکیده

هدف: اسلام سیاسی در سوریه ابتدا با شکل‌گیری اخوان‌المسلمین در بین جامعه اهل سنت این کشور ظاهر شد. با بیداری اسلامی در جهان عرب و تشدید زمینه‌های داخلی بحران سوریه، گروه‌های اسلام‌گرای افراطی در این کشور شکل گرفتند. این گروه‌ها با رفتارهای خشونت‌آمیزی همچون حملات ایذایی و تروریستی و کمک‌های لجستیکی و نظامی بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی، قدرت و گسترش بی‌سابقه‌ای پیدا کردن و نظام سیاسی سوریه را تا آستانه فروپاشی پیش بردند. هدف اصلی مقاله بررسی تاثیر گروه‌های اسلام‌گرای افراطی بر بی‌ثباتی سیاسی سوریه در دوره بشار اسد است.

روش: روش تحقیق به کارگرفته شده در این پژوهش توصیفی–تحلیلی است. روش گردآوری داده‌ها مبتنی بر روش اسنادی و از چارچوب نظری بی‌ثباتی سیاسی برای تجزیه و تحلیل تاثیر گروه‌های اسلام‌گرای افراطی بر بی‌ثباتی سیاسی استفاده شده است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که مجموعه اقدامات و چالش‌های گروه‌های اسلام‌گرای افراطی باعث ایجاد تغییر در «حکومت» سوریه شده است؛ اما موفق به تغییر در «رژیم» و «جامعه» نشده‌اند.

نتیجه‌گیری: گروه‌های اسلام‌گرای افراطی با توجه به ویژگی‌های نظام سیاسی سوریه و با آغاز بیداری اسلامی در کشورهای عربی، از فرصت پیش آمده استفاده کردند و باعث ایجاد، استمرار و افزایش اعتراضات ضد حکومتی، شورش، ترور و جنگ‌های چریکی در سوریه شده‌اند.

واژه‌های کلیدی: اسلام سیاسی افراطی، بی‌ثباتی سیاسی، سوریه، بشار اسد، گروه‌های تروریستی

۱. کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. (نوسنده مسئول) ansari_90@yahoo.com
۲. استاد گروه علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. sarvireza1968@gmail.com

Copyright © 2010, SAIWS (Scientific Association of Islamic World Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.9.0]

مقدمه

تا قبل از بیداری اسلامی در جهان عرب و در سال۲۰۱۰م، افغانستان، پاکستان، عراق و نیجریه کشورهای اسلامی بودند که شاهد بی‌ثباتی‌های سیاسی عمده ناشی از فعالیت گسترده افراط‌گرایان تکفیری بودند. در اثر تحولات موسوم به بیداری اسلامی و تضعیف قدرت‌های حاکم یا وقوع انقلاب در این کشورها، اسلام‌گرایان افراطی که قرائت نادرستی از اسلام و تعالیم آن داشتند؛ قدرت قابل ملاحظه‌ای پیدا کرده‌اند و در خلأ قدرت پدیدآمده به خطر مهمی برای امنیت منطقه و حتی جهان تبدیل شده‌اند. کشورهای عراق، سوریه، یمن، لیبی، افغانستان و مصر درگیر جنگ یا بی‌ثباتی‌های سیاسی شدید ناشی از فعالیت تکفیری‌ها شده‌اند. قدرت فراوان افراط‌گرایان تکفیری سنی مذهب، ثبات منطقه خاورمیانه را به خطر انداخته و تهدید تروریسم و افراط‌گرایی بیش از هر زمان دیگری شد.

گروه‌های اسلامی افراط‌گرا در اثر خلا قدرت پدیدآمده توانسته‌اند تشکیلات قوی در منطقه ایجاد کنند و برخی مانند القاعده شاخه یمن و لیبی، گروه جبهه‌النصره (القاعده شاخه سوریه)، دولت اسلامی سینا (شاخه داعش در مصر) و داعش به شکل بی‌سابقه‌ای قدرتمند شده‌اند؛ به گونه‌ای که گروه داعش اعلام خلافت جهانی کرد و مسلمانان جهان را ملزم به تبعیت از خود دانست. این گروه‌ها، جوامع منطقه خاورمیانه را به مبارزه طلبیدند و ضربات مرگباری نیز بر آنها وارد کردند. براساس گزارش شاخص جهانی تروریسم، پنج کشور اول جهان که بیشترین ضربه را از فعالیت‌های تروریستی متحمل شده‌اند، کشورهای افغانستان، عراق، سوریه، نیجریه و پاکستان هستند(global terrorism index 2019)؛ که افراط‌گرایان تکفیری در آنها فعالیت کرده‌اند.

همچنین مرگ‌بارترین حملات تروریستی سراسر جهان در سال‌های اخیر مربوط به فعالیت‌های تروریستی افراط‌گرایان اسلامی بوده که ناشی از بمب‌گذاری، بمب‌گذاری انتحاری و حمله مسلحانه بوده است. با وجود تضعیف گروه‌های اسلام‌گرای افراطی و از دست رفتن سرزمین‌های تحت تصرف آنها در سوریه و عراق، همچنان فعالیت‌های تروریستی آنها در کشورهای خاورمیانه ادامه دارد. مسأله پژوهش حاضر، ابهام و نبود یک تصویر جامع و روشن از چگونگی تأثیر گروه‌های اسلامی افراط‌گرا بر بی‌ثباتی سیاسی در سوریه است که بر اساس آن سوال تحقیق مبتنی بر این است که چگونه گروه‌های اسلامی افراط‌گرا در بی‌ثباتی سیاسی

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال دهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۹

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.9.0]

سوریه تأثیر گذاشته‌اند. برای پاسخ به سوال، این فرضیه را به محک آزمون می‌گذاریم که گروه‌های اسلامی افراط‌گرا در مخالفت با نظام سیاسی مستقر در سوریه دست به اقداماتی نظیر ترور، تظاهرات، ایجاد آشوب و شورش و ... زده که دامنه بحران را گسترش داده و منجر به بی‌ثباتی سیاسی در سوریه شده‌اند.

این تحقیق از آن جهت حائز ضرورت دارد که برای بی‌ثباتی سوریه و مشکلات به وجود آمده برای حکومت مستقر تاکنون پژوهشی که بتواند این خلاء را پر نماید انجام نشده و این تحقیق درصدد برطرف ساختن چنین خلایی می‌باشد. اهمیت این تحقیق نیز در به بحث کشیده شدن بی‌ثباتی سوریه در فضای رسانه‌ای بین‌المللی، نخبگان، سیاستمداران، دانشجویان و شکل‌گیری قطب‌های مخالف و موافق برای اظهارنظر در باره آن است. به لحاظ پیشینه پژوهش چند کار محدود و تقریباً غیر مرتبط صورت گرفته که از جمله می‌توان به کار امیر نیاکویی و حسین بهمنش (۱۳۹۱) اشاره کرد که نویسندگان بازیگران متعارض در بحران سوریه را با اهداف و رویکردهای مختلف‌شان بررسی کرده‌اند. ابوطالب ارمکی و دیگران (۱۳۹۶) به تبیین موقعیت حکومت علویان سوریه پس از وقوع بحران پرداختند. سیده لیلا تقوی سنگدهی و سعیده وحیدفر (۱۳۹۴) نقش اخوان المسلمین را در تحولات سیاسی سوریه بررسی کرده‌اند. حسین آجرلو (۱۳۹۰) به ریشه‌ها . چشم‌اندازهای تحولات سوریه اشاره داشته است. پرستو موفقیان و همکاران (۱۳۹۱) آرایش جغرافیایی نیروهای درونی و گرایش بیرونی آنان را در تحولات سوریه ارزیابی کرده‌اند. مقالات دیگری نیز هر یک به بررسی یکی از جنبش‌ها و یا گروهک‌های تروریستی نظیر داعش، جبهه-النصره و ... پرداخته‌اند که در واقع آنان را از جنبه‌هایی نظیر گفتمان و ... مورد بررسی قرار داده‌اند. اما هیچ یک از آنان به بی‌ثباتی سیاسی در سوریه اشاره نداشته و این مقاله قصد نشان دادن بی‌ثباتی سیاسی در سوریه را بر اساس جریان‌های داخلی این کشور دارد.

۲- چارچوب نظری: بی‌ثباتی سیاسی دیوید ساندرز

۲-۱- تعریف ثبات و بی‌ثباتی: ثبات شامل قرار گرفتن در معرض حداقل تغییر است؛ و عبارت است از عدم وقوع مستمر و مکرر حوادث، رفتارها و تحرکاتی که کارکرد منظم یک نظام را مورد تردید قرار دهد. همچنین ثبات را می‌توان تغییر در محدوده‌ای معین تعریف

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.9.0]

کرد، فقدان تغییر نیز نشانگر ثبات صرف است. در مقابل بی‌ثباتی به معنای وقوع تغییر، فراتر از دامنه نوسانات معمولی است و به فقدان قاعده‌مندی و هماهنگی اجزای یک سیستم اشاره دارد(زرقانی و همکاران ۱۳۹۳: ۷۸).

۲-۲- ثبات سیاسی و بی‌ثباتی سیاسی: ثبات سیاسی مفهوم پیچیده‌ای است که تاکنون اجماعی بر سر تعریف آن و تعیین مصادیق و ویژگی‌های آن شکل نگرفته است. این ابهام و پیچیدگی به‌دلیل نسبی بودن ثبات است(کرم زادی، ۱۳۹۵: ۱۱۹). ثبات سیاسی بیانگر شرایط در جامعه است که در آن ناآرامی‌های اجتماعی، ترور و اعدام‌های سیاسی، کودتا، آشوب‌های شهری، آشفتگی‌های اجتماعی، تنش‌های قومی و انتقال آرام قدرت در سطوح بالا وجود نداشته باشد. ثبات سیاسی یکی از عوامل ارتقا دهنده حکمرانی خوب است. عموما به دلیل نسبی و هنجاری بودن این مفهوم در میان تحلیل‌گران، اجماع صریحی در مورد تعریف یا شرایط با ثبات یا بی‌ثباتی دانستن نظام سیاسی وجود ندارد. سنجش بی‌ثباتی را می‌توان بر اساس میزان و شدت رفتارهای تهاجمی افراد و گروه‌ها در داخل سیستم سیاسی علیه دیگر افراد، گروه‌ها، نهادهای رسمی و یا نیمه رسمی ارزیابی کرد. مهم‌ترین تعاریف از ثبات و بی‌ثباتی سیاسی را می‌توان در قالب دیدگاه ذیل طبقه‌بندی کرد. «دیوید ساندرز» دیدگاه عملیاتی خود از بی‌ثباتی سیاسی را با هدف سهولت در معرفی شاخص‌های بی‌ثباتی سیاسی طرح‌ریزی کرد. به اعتقاد وی در تعریف مطلوب از ثبات و بی‌ثباتی سیاسی باید از تفکیک سطحی ثبات و بی‌ثباتی احتراز کرده و آن را یک پدیده‌ی مستمر و نسبی بدانیم. همچنین آن تعریف باید نشان بدهد که چگونه سطح بی‌ثباتی در یک کشور با گذشت زمان تغییر می‌کند، لذا واحدهای زمانی به کار رفته در تحلیل باید بر پایه «وضعیت‌های سیاسی» کوتاه مدت باشد؛ و نیز باید انواع متفاوتی از بی‌ثباتی سیاسی را بپذیرد. از این رو ثبات سیاسی ناظر بر فقدان نسبی برخی انواع حوادث سیاسی بی‌ثبات کننده است که به صورت ایجاد تغییر یا چالش در هر یک از ابعاد نظام سیاسی بروز می‌کند. وضعیت سیاسی بی‌ثبات نیز شرایطی است که در آن تاثیرگذاری یا تعامل در درون و بین عناصر نظام سیاسی، غیر قابل پیش بینی یا نامعین است(ساندرز، ۱۳۹۰: ۱۱۹).

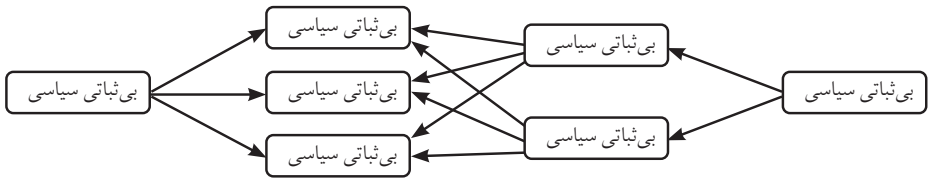
در این رویکرد ثبات سیاسی پدیده‌ای پیچیده است که وقوع آن مستلزم فراهم آمدن تمام علل و ملزومات در فرایند تغییرات سیاسی و اجتماعی است ولی بالعکس بی‌ثباتی سیاسی

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.9.0]

پدیده‌ای ساده و طبیعی است که با رخ داد هر یک از عوامل بی‌ثبات کننده دامن گیر جوامع انسانی می‌گردد.

ابعاد نظامی سیاسی مورد نظر ساندرز از تعریف دیوید ایستون برگرفته شده است. ایستون سه بعد اساسی برای نظام های سیاسی در نظر می‌گیرد: مقامات سیاسی که مراد از آن حکومت است؛ رژیم سیاسی که منظور آن قواعد حقوقی که حاکم بر حل مناقشات در درون نظام است؛ و جامعه سیاسی که شامل گروهی از افراد است که بر پایه تقسیم کار سیاسی با هم مرتبط هستند. به این ترتیب با در نظر گرفتن ابعاد نظامی سیاسی ایستون و تعریف ساندرز، شش نوع بی‌ثباتی سیاسی متصور است که در شکل زیر نمایش داده شده است.



شکل۱: انواع بی ثباتی سیاسی(ساندرز،۱۳۹۰: ۱۲۱)

مفهوم یک «تغییر» در حکومت، رژیم یا جامعه نسبتاً ساده است و علی‌رغم برخی ابهامات، تغییر را نسبتاً به سهولت می‌توان مشاهده کرد. برای نمونه با توجه به تعریف «هورویترز» از حکومت جدید به عنوان «دستگاه اداری یا حکومتی که با هرکدام از معیارهای زیر مطابقت نماید:

الف) شکل‌گیری پس از انتخابات؛

ب) تغییر نخست وزیر؛

ج) تغییر ترکیب حزبی در کابینه؛

د) استعفا یا تشکیل مجدد {حکومت} به دنبال انتخابات با همان نخست وزیر و ترکیب کابینه».

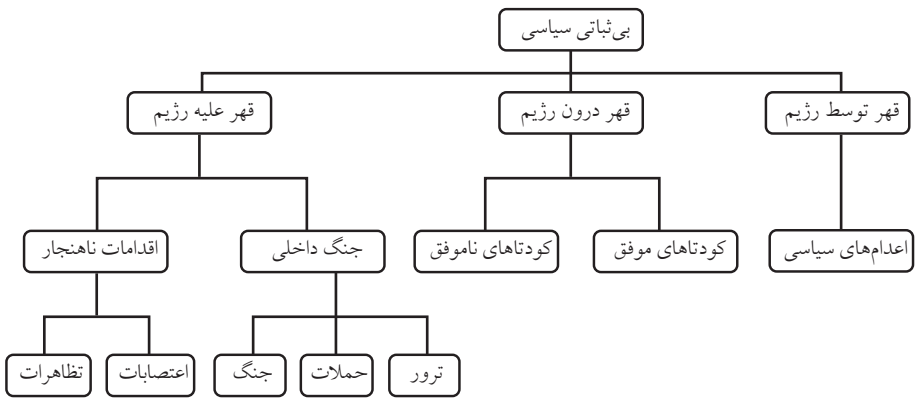
تشخیص تغییر حکومت (حداقل در دموکراسی‌های پارلمانی) ساده است. همچنین با عنایت به نظرات کلی تایلور و هودسن درباره «انتقال منظم قوه مجریه»، تغییرات در حکومت را همه نظام‌ها می–توان مشاهده کرد. تغییر در «رژیم» هم با توجه به تعریف بلوندل از نوع رژیم و حرکت نظام در یک یا چند محور از فضای که برای رژیم‌ها ترسیم کرده نسبتاً ساده

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.9.0]

است. اما تغییرات جامعه سیاسی به خاطر ماهیت آن کمتر از تغییرات حکومت و رژیم است. همانگونه که ایستون اشاره می‌نماید« جوامع فقط مواقعی تغییر می‌کند که مرزهای جغرافیایی تغییر نماید. مقامات در کل می‌آیند و می‌روند، رژیم‌ها یا قانون اساسی ممکن است دچار تغییر شوند. در هر دو مورد ممکن است جامعه سیاسی کاملاً پایدار بماند(ساندرز،۱۳۹۰ص۱۲۰).

معیار معرفی شده توسط ساندرز بسیاری از نظریات دیگر را که یک یا چند بعد برای بی‌ثباتی سیاسی در نظر گرفته‌اند پوشش می‌دهد. به عقیده بسیاری از محققان، بی‌ثباتی سیاسی با تعداد تغییرات با قاعده و بی‌قاعده در حکومت مشخص می‌شود برخی دیگر معتقدند که کنش‌های خشونت‌آمیز هنگامی که ساختار قدرت سیاسی مستقر وحاکم را به چالش می‌کشند، بی‌ثباتی سیاسی ایجاد می‌شود.



(زرقانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۰)

به هر حال معیاری که بتوان به وسیله آن یک نظام سیاسی را در هر مقطع از زمان بی‌ثبات خواند، معیاری است که با وقوع یا عدم وقوع تغییرها و چالش‌ها در «حکومت»، «رژیم» یا «جامعه» نسبت مستقیم دارد (خواجه سروی،۱۳۸۲: ۱۰۶). البته باید پذیرفت که همه وقایع بی‌ثبات کننده که چالش یا تغییر در حکومت، رژیم یا جامعه سیاسی ایجاد می‌کنند باید به عنوان انحرافی از هنجار همان سیستم خاص در نظر گرفته شوند. بدیهی است که هنجارها در مکان‌ها و زمان‌های مختلف با یکدیگر فرق می‌کنند.

۳-۲- شاخص‌های بی‌ثباتی سیاسی

پس از تعریف عملیاتی بی‌ثباتی سیاسی، لازم است شاخص‌های بی‌ثباتی سیاسی معرفی

فصلنامه علمی -پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.9.0]

شوند. یعنی شاخص‌هایی که معرف تغییر یا چالش در حکومت، رژیم یا جامعه سیاسی هستند. اندیشمندان مختلف برای بی‌ثباتی سیاسی شاخص‌های متعددی ذکر کرده و حوادثی را به عنوان شاهدی برای بی‌ثباتی سیاسی یک کشور مورد ملاحظه قرار داده‌اند.

شاخص‌های بی‌ثباتی سیاسی از دیدگاه «الیسنا» و «پروتی» عبارت‌اند از: ۱- تعداد ترورهای با انگیزه سیاسی ۲- تعداد افراد کشته شده در خشونت‌های جمعی نسبت به کل جمعیت ۳- تعداد کودتاهای موفق ۴- تعداد کودتاهای نافرجام و نوع رژیم. «فایرابند» و «لیتل» نیز شاخص‌های فراوانی برای بی‌ثباتی سیاسی ذکر می‌کنند. ازجمله‌ی آنها می‌توان به تعطیلی ادارات رسمی، تغییرات چشمگیر قوانین، تصاحب پست‌ها توسط گروهی خاص، بحران در سازمان‌های غیردولتی، اعمال فشار علیه گروه‌های خاص، اعتصابات فردی، عمومی و کلان، تظاهرات کوچک و وسیع، شورش‌های کوچک و وسیع، دستگیری وسیع یا محدود افراد برجسته، ترور سیاسی، وضع قوانین خشن، اعدام افراد برجسته و غیر برجسته، شورش، طغیان و تخریب، جنگ‌های چریکی و داخلی، کودتا و تبعید اشاره کرد(عظیمی دولت آبادی،۱۳۸۷: ۷۷-۸۰).

ساندرز نیز شاخص‌های مربوط به مدل خود را به صورت جدول زیر پیشنهاد کرده است:

ردیف	مفهوم	شاخص
۱	تغییر رژیم	تغییر در هنجار رژیم تغییر در نوع نظام حزبی تغییر در وضعیت نظامی- غیر نظامی
۲	تغییر حکومت	تغییر در قدرت اجرایی موثر تغییرات کابینه
۳	تغییر جامعه	اقدامات تجزیه طلبانه موفق
۴	چالش‌های خشونت آمیز	ترور، جنگ تروریستی، تروریسم سیاسی مرگ ناشی از خشونت سیاسی شورش تلاش برای کودتا
۵	چالش‌های مسالمت آمیز	اعتصابات سیاسی با تهدید به اعتصاب تظاهرات اعتراض آمیز تحرکات انتقادی مخالفان سخنرانی ضد حکومتی به وسیله‌ی رهبران فکری

(خواجه سروی،۱۳۸۲: ۱۰۵)

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.9.0]

در این پژوهش شاخص‌های معرفی شده توسط ساندرز مبنای سنجش بی‌ثباتی سیاسی خواهد بود. ساندرز در مجموع دوازده شاخص برای بی‌ثباتی سیاسی معین نموده است که تعریف آنها عبارت است از:

۱- کودتا: تعداد تغییرات در سران رژیم یا حوزه نفوذ آنها در ساختار قدرت ملی به روش‌های اجباری یا خلاف قانون اساسی.

۲- تغییر قانون اساسی: تعداد تغییرات اصلی در ساختار قانون اساسی کشور که شامل تغییر در هنجارهای رژیم، تغییر در نوع نظام حزبی و تغییر در وضعیت نظامی□ غیرنظامی کشور است.

۳- تغییر کابینه: تغییر رئیس دولت یا نیمی از وزرا در یک سال.

۴- تغییر مقامات اجرایی: هرگونه تغییر عمده در رأس هرم نخبگان حکومتی به ویژه مقامات اجرایی در یک سال.

۵- ترور: هرگونه قتل یا سوء قصد به جان یک مقام عالی رتبه‌ی سیاسی یا یک سیاستمدار یا فعال سیاسی که با انگیزه سیاسی صورت گرفته باشد.

۶- جنگ چریکی: هرگونه فعالیت نظامی یا عملیات مسلحانه، خرابکاری یا بمب گذاری که توسط گروه‌های مستقلی از مردم یا نیروهای نامنظم که به منظور سرنگونی رژیم حاضر صورت می‌پذیرد.

۷- بحران حکومتی: هر وضعیتی که رژیم مستقر را تهدید به سقوط می‌کند و به سرعت در حال گسترش است. به استثنا شورش‌هایی که با قصد براندازی نظام صورت می‌گیرد.

۸- شورش: هرگونه تظاهرات خشونت بار یا برخورد و درگیری‌های جمعی میان بیش از یکصد نفر که در بر دارنده استفاده فیزیکی از زور باشند.

۹- حرکت‌های انقلابی: هر تلاشی که برای تغییر اجباری و غیرقانونی نخبگان حکومتی صورت می‌گیرد و یا هر شورش مسلحانه که هدف آن استقلال از دولت مرکزی است.

۱۰- تظاهرات ضد حکومتی: هرگونه تجمع عمومی مسالمت‌آمیز حداقل یکصد نفر، که هدف اولیه آن نمایش یا ابراز مخالفت با سیاست‌های حکومتی یا مقامات مسئول باشد.

۱۱- اعتصاب عمومی: اعتصاب هزار نفری و بالاتر کارکنان بخش صنعت و خدمات که با بیش از یک کارفرما درگیر باشند و در آن اعتراض به صاحبان اقتدار سیاسی یا تصمیمات

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.9.0]

و خط مشی‌های حکومتی باشد.

۱۲- پاکسازی سیاسی: هر نوع حذف مخالفان سیاسی به وسیله اعدام یا زندانی کردن آنها(محمودی لرد،۱۳۹۲: ۶۰).

۳- یافته‌های پژوهش

۳-۱- مرحله قهر توسط رژیم

از زمان روی کار آمدن حافظ اسد، سوریه نسبت به نظام سیاسی سابق خود رویکردی قهرآمیز و خودمآبانه در پیش گرفت. این کشور در زمانی که در ناآرامی‌های ناشی از حکومت پسا استعمار به سر می‌برد، طی یک کودتای نظامی توسط حافظ اسد از یک آرامش نسبی برخوردار شد. با این حال در این زمان، یک سری از پاک‌سازی‌های سیاسی به دست رژیم جدید صورت پذیرفت به‌گونه‌ای که جناح غیرنظامیان سرنگون، رئیس جمهور نورالدین آتاسی و ده‌ها تن دیگر از جناح رقیب دستگیر و روانه زندان‌های رژیم شدند. این روند تا زمان فوت حافظ اسد ادامه داشت که با تغییر برخی از قوانین قانون اساسی از جمله کاهش سن رئیس جمهور از ۴۰ سال به ۳۵ سال، راه برای ریاست جمهوری بشار اسد بر سریر قدرت همراه شد و از سال ۲۰۰۰ میلادی رسماً اولین دوره ریاست جمهوری‌اش را آغاز نمود(باقری دولت‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۹-۳۰). با وجود آرامش و امنیتی که توسط حکومت اسد در سوریه حاکم شد اما این رژیم بر اساس یک سری از ویژگی‌های درونی رویکردی قهرآمیز نسبت به گروه‌ها و جریان‌های سیاسی در پیش گرفت که به تعبیری می‌توان از آن به بحران حکومتی یاد کرد. این ویژگی‌ها عبارت بودند از:

۱- نادیده گرفتن احزاب سیاسی رقیب:

یکی از ویژگی‌های بارز حکومت در سوریه جنبه اقتدارگرایانه آن است که در اکثر کشورهای خاورمیانه این امر وجود دارد و سوریه نیز از آن مستثنی نیست. در حکومت سوریه تا قبل از فوریه ۲۰۱۲ نظام تک حزبی همراه با انتخابات محدود وجود داشت که قدرت اصلی کشور همواره در دست حزب بعث بود. در ماده ۸ قانون اساسی سوریه که در سال ۱۹۷۳ به تصویب رسیده آمده است: حزب سوسیالیست عربی بعث، حزب اصلی در جامعه و کشور سوریه است و رهبری جبهه ملی ترقی‌خواه را برعهده دارد. این جبهه که ائتلاف حاکم

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.9.0]

بر سوریه نامیده می‌شود، شامل احزاب زیر است: بعث، کمونیست، سوسیالیست‌های عرب، وحدت گرایان سوسیالیست، اتحاد سوسیالیست عرب، وحدت‌گرایان سوسیال□دمکرات و قومی- اجتماعی(نجات، ۱۳۹۶: ۷۴).

البته احزاب فوق به جز حزب بعث پایگاه اجتماعی نداشتند و روال سیاسی سوریه به این شکل بود که احزاب کاندیدهای خود را برای نمایندگی مجلس یا وزارت و رئیس جمهور که رئیس جبهه ترقی‌خواه ملی نیز هست معرفی می‌کردند و این رئیس جمهور بود که تصمیم نهایی را اتخاذ می‌کرد. از نظر ساختار سیاسی در سوریه، رئیس جمهور بالاترین مقام رسمی کشور و رئیس قوه مجریه محسوب می‌شد و عزل و نصب اعضای کابینه از جمله نخست وزیر در اختیار وی قرار داشت. کاندیداتوری رئیس جمهور توسط مجلس خلق و بنا به پیشنهاد رهبری حزب بعث اعلام می‌شد و مردم در رفراندوم برای تعیین رئیس جمهور شرکت می‌کردند البته چنین رفراندم‌هایی فاقد وجه دموکراتیک بودند و به طور معمول در شرایطی که هیچ رقیب انتخاباتی وجود نداشت رئیس جمهور مورد نظر حزب بعث با رای بالای نود درصدی مردم انتخاب می‌شد. به طور کلی نظام، حاکم بر سوریه به رغم داشتن عنوان جمهوری، به‌مثابه رژیم نظامی عمل می‌کرد که تقریباً اقتدار مطلق در دست رئیس جمهور بود و شهروندان به رغم داشتن حق رای، حق تغییر حکومت خود را نداشتند(نیاکوئی،۱۳۹۱: ۱۳۷). چنین امری مورد پسند جریانات سیاسی سوریه واقع نشد و هر یک از آنان خواستار برهم زدن بافت سیاسی و برچیده شدن نظام تک حزبی بودند.

۲- مشکلات اقتصادی افسارگسیخته

به دلیل وجود برخی از مشکلات نظیر استفاده از حمایت‌های دولتی و یا تجارت برای برخی از افراد نزدیک به حکومت و نادیده انگاشتن سایر افراد در مسائل اقتصادی شکاف طبقاتی عظیمی در جامعه سوریه ایجاد شد؛ به گونه‌ای که اکثر مردم در شرایط سخت معیشتی زندگی می‌کردند، طبقه‌ای دیگر در شرایط بسیار مرفه قرار داشتند. این وضعیت به گونه‌ای بود که در جریان اعتراض‌های سال ۲۰۱۱ نیز یکی از مطالبات معترضان پایان دادن به وضعیت فوق‌العاده سرکوب و فساد بوده است(نیاکوئی، ۱۳۹۱: ۱۴۰).

بخش عمده توده‌های مردمی شرکت کننده در اعتراض‌های سوریه نیز حاشیه‌نشینان و طبقات فرودست اجتماعی کشور بودند که بهبود شرایط اقتصادی خویش را می‌خواستند.

فصلنامه علمی -پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.9.0]

اگرچه نام شخص بشار اسد در هیچ یک از پرونده‌های فساد مالی در سوریه مطرح نیست، اطلاعات و تحقیقات موجود نشان می‌دهد که در اطراف او افرادی بودند که از موقعیت و جایگاه خود سوء استفاده کرده‌اند. برخی از اعضای خانواده و نزدیکان رئیس جمهور از جمله: «رامی مخلوف»، «ماهر اسد»، «فواز اسد»، «کمال اسد» و «آصف شوکت» با سوءاستفاده از موقعیت و جایگاه خود به ثروت هنگفتی دست یافته‌اند. به تعبیری؛ فقر و بیکاری بخشی از مردم و فساد برخی از افراد درون حکومت از علل اصلی بروز اعتراض‌ها در سوریه بوده است(باروت،۲۰۱۲: ۱۰۷).

۳- فرقه گرایی:

یکی از مشکلات سوریه وجه فرقه‌ای آن است که عملاً شکاف‌ها و تعارضات را دامن زده است. یکی از دلایل شروع بی‌ثباتی در سوریه به ظن گروهک‌های مخالف این است که ستون فقرات حکومت اسد به ویژه تشکیلات اطلاعاتی و امنیتی در دست علوی‌ها بوده و اکثر وزرای کلیدی کابینه نیز از علوی‌ها هستند. توجه به انسجام اجتماعی اندک در سوریه و فرقه‌های مذهبی گوناگون، این امر شکاف اجتماعی دیرپایی را در این کشور ایجاد کرده است؛ طوری که دکمجیان جنبش اعتراضی سنی علیه حکومت تحت سلطه علوی‌ها را ویژگی اصلی بنیادگرایی مذهبی در سوریه می‌داند(دکمجیان، ۱۳۹۵ : ۲۰۲).

کردها از دیگر فرقه‌های موجود در سوریه هستند که خاندان اسد نیز چندان به آنها توجه نداشتند. مجموع عوامل فوق منجر به این شد که برخی از گروه‌های اسلامی و غیراسلامی در جامعه سوریه راه خود را از دولت جدا کنند و رژیم نیز در مقابل به شیوه طرد و دوری از آنان روی آورد. برخی نیز بر این باورند که تسویه حساب‌های سیاسی زمان حافظ اسد و پسرش بر جریح شدن گروهک‌های تروریستی که در صدد ایجاد آشوب و بی‌ثباتی در سوریه بودند، تأثیر داشته است.

۳-۲- مرحله قهر درون رژیم:

یکی از ویژگی‌های نظام حکومتی در سوریه نوع برخورد آن با نیروهای نظامی و امنیتی داخل کشور است که به تعبیری نگاه خاندان اسد با نیروهای امنیتی نگاهی قاهرانه و مبتنی بر طرد آنان از سیستم نظامی و سیاسی موجود بود. در این راه، بین نهاد حکومتی و نهادهای نظامی اختلاف نظری به وجود آمد و همین امر منجر به پاره‌ای از بحران‌ها برای خاندان اسد

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.9.0]

شد. به‌طوری که ماهر اسد فرمانده واحدهای نخبه نظامی و امنیتی سوریه چندین بار قصد تیراندازی به سمت آصف شوکت فرمانده سابق اطاعات ارتش سوریه را داشته است. با شروع بحران سوریه، این موضوع به شکلی عمیق بین ارتش و دولت شکل گرفت و چند دستگی میان آنان به وجود آمد(آجرلو، ۱۳۹۰: ۵۹).

هر چند به نزدیک شدن به زمان بحران، اکثریت ارتش راه خود را جدا کرد و با حکومت همراه شد. اما تاکنون هیچ نشانه‌ای از این نافرمانی در سطوح بالا به‌گونه‌ای که قابلیت سرکوب حکومت را فلج کند، ملاحظه نشده است. در سوریه تجانس و انسجام اجتماعی پایین است و ارتش این کشور پیوندهای ارگانیکی با رژیم اسد داشته و منافع فراوانی به دست آورده‌اند. گذشته از این، علوی‌ها ستون فقرات رژیم اسد و دستگاه نظامی و اطلاعاتی این کشور را در دست دارند و هرگونه تغییر سیاسی می‌تواند جایگاه و موقعیت آن‌ها را از دست بدهد. البته رده‌های پایین ارتش اکثراً از سنی‌ها هستند و به همین دلیل است که نافرمانی‌هایی که بعضاً انجام گرفته در سطوح سربازان و یا افسران پایین مرتبه بوده است(باقری دولت‌آبادی، ۱۳۹۲: ۳۴-۳۵).

۳-۳- مرحله قهر علیه رژیم:

مرحله قهر با رژیم در سوریه را باید به دو بخش تقسیم کنیم: بخش اول مربوط به اعتراضات و اعتصابات مسالمت‌آمیز و تظاهرات ضدحکومتی توسط مخالفان بوده و بخش دوم مربوط به اعتراضات و تظاهرات خشونت‌بار در قالب ترور، شورش و جنگ چریکی می‌شود.

در بخش اول گروه‌هایی نظیر اخوان‌المسلمین سوریه قرار می‌گیرند. گروهی که تا پیش از بحران، خواستار برقراری یک دولت دموکراتیک در سوریه بود و همین مسأله باعث شد تا حافظ اسد در دهه ۱۹۹۰ برخی از اعضای اخوان‌المسلمین را از زندان آزاد کند. با مرگ حافظ اسد و باز شدن فضای سیاسی در دوران بشار اسد، اخوان‌المسلمین سوریه با انتشار بیانیه‌ای در لندن ضمن رد خشونت سیاسی، خواستار استقرار یک دولت مدرن دموکراتیک در سوریه شد و درخواست‌های پیشین خود را برای فراخوان سنی‌ها به شورش علیه علویان شیعی کنار گذاشته است(احمدی، ۱۳۹۰: ۹۷-۹۸).

در سوی دیگر، بشار اسد از شدت سختگیری‌های حکومت نظامیان در کشور اندکی

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.9.0]

کاست و دستور به آزادی ۶۰۰ زندانی سیاسی را صادر کرد. از طرف دیگر با گزینش مقامات حزب بعث، انجام انتخابات را ضروری دانست و در عرصه اقتصادی و مداوای اقتصاد بیمار کشور بانک‌های خصوصی را دعوت به همکاری و بازار اوراق بهادار را راه‌اندازی کرد. وعده صدور مجوز انتشار روزنامه مستقل داد. در اوایل دوران ریاست جمهوری، از محافل سیاسی فعال سراسر کشور خواست در خصوص آینده سیاسی سوریه به بحث و تبادل نظر و همکاری با دولت بپردازند. این قبیل اقدامات دولت خوشایند برخی از فعالان و وابستگان به حاکمیت را برنتافت و در مقابل آن ایستادگی کردند. «عبدالحلیم خدام»، معاون رییس جمهور با لحنی اعتراضی بیان کرد که محافل مذکور از خطوط قرمز پا را فراتر گذاشته‌اند و ثبات و امنیت کشور را به مخاطره می‌افکنند و مقامات دولت مقرر کردند که برگزاری جلسات مباحثه در این محافل باید از دو هفته قبل با نیروهای پلیس هماهنگ شود. با این اقدام، احزاب به بن بست کشیده شدند(فلاحی، ۱۳۹۰ : ۶۵).

اخوان‌المسلمین در ابتدای روی کار آمدن بشار به رییس جمهور جدید خوش‌بین بودند چرا که ۳۸۰ نفر از ۶۰۰ زندانی سیاسی آزاد شده از اعضاء اخوان بودند با این وجود حکومت به اخوان هشدار داد که حق هیچ‌گونه فعالیت سیاسی آشکار و نهانی را ندارد. اخوان که از فعالیت منع شده بود اعتراض خود را به طرق مختلف بروز داد. هر گونه فعالیت اخوان با سرکوب همراه بود. ترور «رفیق حریری» نخست وزیر سابق لبنان در فوریه ۲۰۰۵ موجب شد انگشت اتهام بین‌المللی به سمت سوریه دراز شود و نیروهای سوریه مجبور به ترک خاک لبنان شدند. مخالفان از این شکست دولت در نزد افکار عمومی استفاده کرده و اقدام به افتتاح کانال‌های گفتگو بین خود شدند. تمام احزاب سوریه از جمله اخوان به یکدیگر نزدیک شدند. بنابراین توان استفاده از اعلامیه‌ها و تبلیغات برای مخالفان ایجاد شد اعلامیه‌های مختلف بر ضد حکومت انتشار یافت. آنها خواستار حکومتی ملی با رویکردی صلح آمیز بودند. حکومت متقابلا در سال ۲۰۰۵ اقدام به دستگیری مخالفان کرد. رییس جمهور اسد در نطق خود در اوایل ماه ژوئن ۲۰۰۵ اعلام کرد حزب بعث به عنوان حزب پیشرو و محافظ ناسیونالیسم عربی باقی خواهد ماند. متقابلاً اخوان در بیانیه‌ای اعلام کرد که سوریه نیازمند تغییر و اصلاحات اساسی در حکومت است. خدام معاون رئیس جمهور اعتراف کرد که در قتل حریری دست داشته است و پس از فرار پناهنده فرانسه شد در آنجا با مخالفان دولت

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.9.0]

سوریه ارتباط ایجاد کرد و اعلام کرد آمادگی همکاری با مخالفین و در رأس آن اخوان برای انتقال قدرت است. «البیانونی» رهبر اخوان تصمیم به همکاری با خدام را گرفت. و در کنفرانسی در مارس ۲۰۰۶ با یکدیگر ملاقات کردند. بیانونی در ماه می همان سال با ولید (رهبر روزی‌ها) که یکی از مخالفان اصلی حکومت بشار اسد است ملاقات و پیمان همکاری بست (باری :۸۰ به نقل از عربی راوندی،۱۳۹۵: ۸۸).

ائتلاف با خدام سوءظن بسیاری از سوری‌ها را نسبت به اخوان‌المسلمین برانگیخت زیرا وی نقش فعالی در نظام اسد داشت. در سال ۲۰۰۹ اخوان‌المسلمین با اعلام اینکه جبهه نجات ملی نمی‌تواند طرح ملی را اجرایی کند از آن خارج شد. دلیل اصلی این امر، تصمیم اخوان‌المسلمین برای توقف فعالیت‌های ضد نظام با میانجیگری ترکیه بود که در آن زمان روابط خوبی با اسد داشت. در ژوئیه ۲۰۱۰، کنگره عمومی اخوان‌المسلمین در استانبول تشکیل و «محمد ریاض‌الشفقه» جانشین البیانونی شد. وی یک ماه پس از انتخاب خود اعلام کرد که همچنان به عدم فعالیت ضد نظام ادامه خواهد داد اما خواستار مداخله ترکیه برای حل مشکلات شد(محمدی، ۱۳۹۲: ۶۱ به نقل از مرکز کارنیغی للشرق الأوسط۲۰۱۲). در آغاز اعتراضات در اوایل سال ۲۰۱۱، اخوان‌المسلمین محتاطانه عمل کرد و از مشارکت در آن امتناع ورزید اما در اواخر آوریل با صدور بیانیه‌ای علنا خواستار سقوط اسد شد. در ماه اکتبر نیز در تشکیل شورای ملی سوریه در استانبول مشارکت کرد و یکی از مؤلفه‌های اصلی این نهاد محسوب می‌شود.

با آغاز بحران سوریه در ۱۵ مارس ۲۰۱۱ میلادی، تغییر و تحولاتی متعدد و مهم در جماعت اخوان المسلمین سوریه ایجاد شد. رهبران این گروه که به دلیل ممنوع بودن فعالیتشان در داخل سوریه، حدود سه دهه بود که در خارج از سوریه به سر می‌بردند با کلید خوردن بحران از شرایط پیش آمده برای تحقق اهداف و منافع خود بهره‌برداری کردند؛ به همین دلیل از همان ابتدا به یکی از بازیگران مهم در عرصه میدانی سوریه تبدیل شدند و فعالیت‌هایی گسترده را ضد نظام مرکزی این کشور انجام دادند؛ این جریان در ۲۵ مارس ۲۰۱۲، بیانیه‌ای را مشابه بیانیه سال ۲۰۰۰ در حمایت از ایجاد دولت مدنی مدرن برای جلب نظر قدرت‌های بزرگ و دریافت حمایت‌های منطقه‌ای و جهانی از فرایند انتقال قدرت در سوریه منتشر و بر تشکیل و حمایت از گروه‌های مسلح در این کشور تأکید کرد(خواجه سروی و انصاری فرد، ۱۳۹۸: ۶۵).

فصلنامه علمی -پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.9.0]

با ادامه بحران جماعت اخوان المسلمین سوریه، به تشکیل گروه‌هایی مسلح وابسته به خود اقدام کرد و به عرصه مبارزه مسلحانه ضد نظام سوریه با هدف براندازی آن و به دست گرفتن قدرت در این کشور پای نهاد. در این مدت، مناطق شمالی سوریه به خصوص استان «ادلب» که در شمال غربی این کشور قرار دارد، مهم‌ترین منطقه‌ای بود که جماعت اخوان المسلمین و اعضا و عناصر وابسته به آن در آنجا فعالیت داشتند؛ به همین دلیل، جنبش اخوان المسلمین تلاش کرد، روابط خود را با دوستان و خاندان‌ها و شبکه–های دوست و هم پیمان خود در این مناطق حفظ کند. طی سال ۲۰۱۳ میلادی که دیگر بحران سوریه، به مرحله جنگ تمام عیار وارد شده بود، جنبش اخوان المسلمین این کشور، کمیته‌ای به نام «هیئت سپرها» را تشکیل داد که به نوعی مسئولیت فعالیت‌های مسلحانه این جنبش را برعهده داشت؛ در این راستا «هیئت سپرها» در طول سال ۲۰۱۳ میلادی، سلاح‌هایی پیشرفته مانند سیستم‌های پدافند هوایی قابل حمل، توپ، تانک و انواع سلاح‌های سبک را از کشورهای نفت خیر عربی حوزه خلیج فارس دریافت کرده، عملیات–های مسلحانه و تروریستی خود را در سوریه تشدید کرد. ریف ادلب و ریف حمص، مهم‌ترین مناطق فعالیت مسلحانه و تروریستی جنبش اخوان المسلمین طی سال ۲۰۱۳ میلادی بودند و البته به میزانی کمتر و به گونه‌ای پراکنده، مناطقی از استان‌های حلب، حماه و ریف دمشق نیز شاهد عملیات‌هایی توسط گروه‌های وابسته به این جنبش بودند(کوشکی، ۱۳۹۳: ۲۶).

با آغاز بحران سوریه گروه‌های افراطی دیگری نیز سر برآوردند و نوع نگاه آنان با گروهی نظیر اخوان نیز متفاوت بود. آن‌ها مشی مسلحانه و مبتنی بر ترور، وحشت، جنگ‌های چریکی و حرکت‌های انقلابی داشتند. داعش و جبهه‌النصره ازجمله این گروه‌های افراطی بودند که هدفش‌شان براندازی رژیم اسد و برپایی حکومت خلافت اسلامی بود. گروهک‌های تروریستی در بی‌ثباتی سیاسی سوریه نقش بسزایی داشتند.

داعش از اتحاد میان وهابیت که توسط محمد بن عبدالوهاب و اسلام گرایی‌انقلابی که به وسیله سیدقطب، تئوری‌پرداز سرشناس این تفکر ارائه شد؛ شکل گرفت. این جریان بیش از سایر جریان‌های تکفیری و اصلاح‌طلب با شیعه و سایر مذاهب اسلامی دشمنی می‌کند و انحصارطلبانه مدعی مسلمانی بود؛ با تکفیر سایر گروه‌های اسلامی و غیر اسلامی به رفتار خشونت آمیز خویش علیه آنها مشروعیت می‌بخشید.

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.9.0]

از اواسط سال ۲۰۱۳، نخستین دسته شبه‌نظامیان داعش که به مدد چندین سال نبرد در عراق کاملاً کارآزموده شده بودند، از مرزهای شرقی سوریه وارد این کشور شدند. یگان‌های داعش به سرعت توانست دیگر مخالفان مسلح در سوریه را که کمتر با جنگ و سلاح آشنایی داشتند به عقب برانند و در بخش‌های اصلی «استان حسکه» در شرق سوریه جبهه بگیرند. این پیروزی‌های سریع که برای رهبران داعش غیرمنتظره بود، آنها را به این فکر انداخت که با گسیل داشتن تعداد بیشتری از نیروهای خود به سوریه، به مناطق بیشتری راه یابند و عرصه را بر دمشق و بشار اسد تنگ‌تر کنند. آنها سعی می‌کردند منابع نفتی و راه‌های اصلی را کنترل کند و مردم این مناطق را تحت سلطه خود درآورند(طارق، ۲۰۱۴: ۳۸).

داعش در سوریه مردم بی‌گناه زیادی را کشت. این گروه در هر منطقه‌ای که حکومت را به دست می‌گرفت، قوانین خودش را برپا می‌کرد؛ قوانینی که بر پایه برداشت جاهلانه، سطحی و سلیقه‌ای از برخی آیات قرآن وجود داشت. آنها بدون داشتن آگاهی و درک درست از دین، فرامین محدود کننده‌ای را برجسته و برمبنای آن خشونت‌های صورت گرفته را توجیه می‌کردند. در همین راستا داعش پس از تسلط بر شهرهای سوریه قوانینی را وضع کرد که عدول از آنها مستوجب مجازات سنگین بود. این گروه تکفیری پس از شکل‌گیری بحران در سوریه نیروهای خود را وارد این کشور کرد و باعث استمرار و شدت بحران در سوریه شد. با کمک‌های کشورهای منطقه از جمله عربستان سعودی، قطر و ترکیه به سرعت به یک گروه بسیار نیرومند تبدیل شد و با اقدامات خشونت‌آمیزی همچون عملیات انتحاری، بمب‌گذاری، ترور و جنگ‌های چریکی متعدد سعی در براندازی حکومت بشار اسد و ایجاد خلافت اسلامی داشت(خواجه سروی و انصاری فرد، ۱۳۹۸: ۹۷) .

دولت اسلامی انرژی قابل توجهی را صرف بنا کردن نهادها و زیر ساخت‌هایی برای نشان دادن استقلال خود انجام داده است. این تلاش‌ها بیانگر این است که انها علاوه بر مبارزات نظامی جهت براندازی و تغییر رژیم حاکم بر سوریه، قصد تجزیه این کشور و ایجاد قلمرو تحت کنترل خود بودند.

از سوی دیگر گروه دیگری نیز در سوریه پدید آمد که در برخی از موارد شبیه به داعش بود اما در بحث از خلافت و نحوه برخورد با دشمنان مشی متفاوتی داشت. برخی از مبارزین سوری که از داعش و گروه‌های القاعده جدا شده بودند؛ بعد از شروع بحران در سوریه

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.9.0]

تصمیم به شکل‌گیری گروهی جهادی جهت مبارزه با رژیم بشار اسد گرفتند. این گروه با نام جبهه‌النصره در ژانویه ۲۰۱۲ به رهبری «ابومحمد–الجولانی» طی یک پیام صوتی اعلام موجودیت کرد. این گروه از گروه‌های کوچک جهادی تشکیل شد که نام خود را «جبهه النصره اهل شام» می‌نامیدند(الحاج،۲۰۱۴: ۱۳۲).

ابومحمد الجولانی با انتشار فیلمی از خود در ژانویه ۲۰۱۲ هدف جبهه‌النصره را ایجاد حاکمیت خداوند و جهاد علیه حکومت بشار اسد اعلام کرد؛ و کشورهای ایران، آمریکا، اتحادیه عرب و غرب را به همکاری با نظام سوریه علیه مسلمانان متهم کرد. این گروه، معروف‌ترین و بارزترین جریان جهادی در سوریه بود که شدیدترین ضربه‌ها را بر علیه ارتش سوریه وارد کرد؛ طی مدت کوتاهی به خشن‌ترین گروه تکفیری سوریه تبدیل شد. جبهه النصره نخستین گروه جهادی سوریه بود که مسئولیت حملات تروریستی را بر عهده گرفت. این گروه اقدامات خود را در قالب حملات انتحاری، بمب‌گذاری و جنگ چریکی انجام می‌داد که از آن جمله می‌توان به بمب‌گذاری‌های دمشق اشاره کرد که افراد غیر نظامی بسیاری در آنها جان باختند.

جبهۀالنصره عامل بسیاری از ترورها در مساجد بوده است و حتی علمای اهل سنت نیز از جوخه‌های ترور آنها در امان نمانده‌اند. یکی از مشهورترین ترورها بر ضد یک عالم بزرگ سنی مذهب در دمشق انجام گرفت. شهید علامه «محمد سعید البوطی» در مسجد الایمان دمشق، منجر به دستگیری همه عاملان ترور شد. ترور در لحظه تدریس وی که هم زمان فیلم‌برداری هم می‌شد انجام گرفت. به اعتراف تروریست‌ها، جبهه‌النصره مسئولیت این عملیات را قبول نکرد؛ زیرا این جنایت از سوی مردم سوریه محکوم شد و قربانی یک عالم دینی بود؛ انفجار در یک مسجد رخ داد و کشته شدن تعداد زیادی نمازگزار را به دنبال داشت. جبهه‌النصره یک گروه جهادی افراطی وابسته به القاعده بود و هر فردی که با آن همراهی نمی‌کرد را واجب‌القتل می‌دانست. بنابراین از ارتکاب هرگونه جنایتی مانند قتل و کشتار و ترور واهمه نداشت. همان گونه که مسئولیت بسیاری از بمب‌گذاری‌های تروریستی به وقوع پیوسته در شهرها و مناطق مختلف سوریه را با انتشار بیانیه‌ای رسمی بر عهده می‌گرفت (نذیر، ۲۰۱۴).

جبهه‌النصره مسئولیت بیش از ۵۰۰ مورد انفجار و عملیات انتحاری را بر عهده گرفت. از

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.9.0]

جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: کشتار ۲۰ سرباز سوری در منطقه نظامی «هنانو» در حلب و انتشار تصاویری از آن در پایگاه‌های مختلف اینترنتی، کشتار مسیحیان شهر مرزی «راس‌العین» در نزدیکی مرزهای ترکیه که در میان آنان زنان و کودکان نیز مشاهده می‌شدند، ترور «محمدالسعید» نویسنده سوری، تجاوز جمعی به ۳۰ زن سوری در ادلب پس از ربودن آنها و دادن فتوای تخریب یکی از مناره‌های مسجد «شیخ خلیل» در شهر درعا توسط «ایاد الطوباسی»، مفتی وهابی این جبهه به این دلیل که شکل هندسی این مناره شبیه صلیب بود. حمله به دانشگاه حلب و قتل دانشجویان و برعهده گرفتن بسیاری از انفجارهای تروریستی روی داده در حلب، ادلب، حمص و غیره که در آن ده‌ها شهروند بی‌دفاع و غیرنظامی سوری کشته و زخمی شدند، از جمله مهم‌ترین جنایت این جماعت جهادی -تکفیری به شمار می‌رفت. جبهه‌النصره یکی از بی‌رحم‌ترین گروه‌های تروریستی در دوران معاصر به شمار می‌آید؛ که حتی به کودکان نیز رحم نمی‌کرد. در کارنامه جنایات این گروه وابسته به القاعده، کشتار اسیران نظامی فراوان به چشم می‌خورد. کشتن کودک خردسال پیش چشم مادر و شکنجه روحی و جسمی یک زن و شوهر شیعه سوری و هزاران جنایت وحشیانه دیگر و غیرنظامیان از اقدامات این گروه بوده است. تخریب و نبش قبر «حجر بن عدی‌کندی» نیز توسط پیکارجویان النصره صورت گرفت(نجات، ۱۳۹۷: ۱۴۵).

جبهه النصره برای تحقق اهداف خود از تاکتیک‌های مختلفی مانند: انفجار خودروهای بمب گذاری شده، عملیات‌های انتحاری، حمله به پایگاه‌ها، مراکز و فرودگاه‌ها با استفاده از سلاح‌های سبک و سنگین، کار گذاشتن بمب در جاده‌های مواصلاتی و حمله به ایست بازرسی‌های ارتش و نیروهای امنیتی استفاده می‌کرد. ویژگی بارز این گروه عملیات‌های انتحاری آن بود و این عملیات‌ها به ویژه در دمشق و حلب باعث تقویت قدرت میدانی آن شده و ضربات دردناکی را به نظام سوریه وارد می‌کرد. این عملیات‌ها چهره خشنی از جبهه‌النصره به جهانیان نشان داد و باعث افزایش ترس و نگرانی کشورهای غربی و عربی نسبت به نفوذ عناصر القاعده در میان گروه‌های مخالف شد. در نتیجه باعث کاهش حمایت از مخالفان اسد شد از سوی دیگر این عملیات‌ها باعث دور شدن برخی گروه‌های مردم سوریه از جبهه النصره شد؛ زیرا هیچ فرقی بین افراد نمی‌گذاشت و همه اعم از نظامی و غیرنظامی را به خاک و خون می‌کشید. این شیوه مبارزاتی برگرفته از عملیات‌های سال‌های گذشته

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.9.0]

سازمان القاعده به عنوان پدر معنوی جبهه‌النصره است. این گروه همچنین پس از تصرف مناطق مذکور و خارج نمودن نیروهای نظامی سوریه به منظور به جریان انداختن زندگی در آن دولت اسلامی برپا می‌کرد(الزیارت،۲۰۱۴).

در نوامبر ۲۰۱۳ جبهه‌اسلامی از ترکیب هفت جناح اسلام‌گرا برای سرنگونی رژیم بشار اسد و تاسیس حکومت اسلامی در سوریه، تشکیل شد؛ در واقع ترکیب و ساختار سیاسی، نظامی و اجتماعی مستقلی بود که بیشتر گروه‌های وابسته به جریان جهادی به رهبری «احمد عیسی الشیخ» را در بر می‌گیرد؛ احمد عیسی مدعی شد بود که با تشکیل جبهه‌اسلامی، موجب ایجاد تغییر و تحول بی‌نظیر در میان گروه‌های مسلح فعال در سوریه خواهد شد و گروه‌های مسلح فعال در سوریه را به سمت وحدت و یکپارچگی سوق خواهد داد؛ تا این گروه‌ها را به جایگاهی برساند که جایگزینی واقعی آنها در نظام آینده باشد. این گروه از ترکیب گروه‌های نظامی و رهبران سلفی تشکیل شد که بزرگ‌ترین ائتلاف نیروهای سلفی–جهادی در سوریه به شمار می‌رفت (صایغ، ۲۰۱۴).

جبهه اسلامی بر خلاف سایر جریان‌های سلفی–تکفیری خارجی ائتلاف و همکاری با دیگر گروه‌های جهادی را تحریم یا منع نمی‌کردند؛ در همین راستا این گروه از ادغام هفت گروه، «لواءالتوحید»؛ قدرتمندترین گروه موجود در حلب، «احرارالشام»، «لواءالصقورالشام»، «لواءالحق»، «انصارالشام»، «جیش–الاسلام» وگروه کردی «جبهه‌اسلامی‌الکردی» در سوریه تشکیل شد. به تعبیر دیگر جبهه‌اسلامی سوریه ترکیبی از سه گروه جبهه اسلامی سوریه، جبهه اسلامی آزادی‌بخش سوریه و جبهه اسلامی کردی بود. هدف این جبهه تنها قرار دادن چارچوبی هماهنگی بین سایر گروه‌های عضو نبوده بلکه هدف آن ادغام کامل هفت گروه بود. جبهه‌اسلامی دارای گردان‌هایی بود که در دمشق، حمص، ادلب، لاذقیه و حلب استقرار یافته‌بودند و بعضی از گلردان‌های تندروتر هم مانند: احرار الشام را در بر می‌گرفت (نجات، ۱۳۹۷: ۱۷۲).

هرکدام از گروه‌های تشکیل دهنده جبهه اسلامی در هفته‌ها و ماه‌های نخست تشکیل برای تامین سلاح با حمله به مراکز نظامی و پادگان‌های ارتش و نیروهای مسلح سوریه پس از قتل عام نظامیان آنها را غارت کردند. فعالیت‌های جبهه‌اسلامی شامل: ترور شخصیت‌های سیاسی نظامی و علمی سوریه و بمب–گذاری در اماکن عمومی با هدف گسترش بی‌ثباتی و

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی –پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.9.0]

ناامنی در شهرهای مختلف سوریه بوده است. اعضای گروه جیش الاسلام در موارد بسیاری حقوق بشر را نقض کرده‌اند به عنوان مثال: عناصر این گروه «رزان زیتونه» فعال حقوق بشر در سوریه و همکارانش را ربودند. این گروه همچنین صدها غیر نظامی را در شهرک کارگری «عدرا» اعدام کرده است؛ و ده‌ها نفر از زنان و کودکان این شهر را ربودند و در نهایت از آنها به عنوان سپر انسانی بهره گرفتند و آنها را بر فراز سقف ساختمان‌ها و جاده‌های شهر «دوما» در قفس قرار دادند تا مانع از هدف قرار گرفتن از سوی جنگنده‌های سوری شوند(نجات، ۱۳۹۷: ۱۸۵).

۴- موانع سقوط نظام سیاسی سوریه:

نظام سیاسی سوریه برخلاف دخالات‌های گسترده بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی با ایجاد تحریم‌های گسترده علیه بشار اسد و حمایت‌های نظامی و اقتصادی از گروه‌های اسلام‌گرای افراطی پا برجا ماند. ایستادگی بشار اسد و عدم تجزیه سوریه به دو عامل داخلی و خارجی تقسیم می‌شود.

۴-۱- عوامل داخلی:

حمایت‌های مردمی: یکی از عواملی بقای بشار اسد این بود که وی توانست حمایت گروه‌های اصلی جمعیت سوریه را جلب کند. حافظ و پسرش بشار اسد هر دو حمایت علوی‌ها، مسیحی‌ها (۸ درصد از جمعیت) درزی‌ها (۳ درصد از جمعیت) و همچنین بسیاری از سکولارهای سنی (۶۵ درصد جمعیت سنی) را با خود داشتند. آنها خود را مدافعان سکولار پلورالیسم مذهبی نشان دادند. بلافاصله پس از شروع ناآرامی‌ها در سال ۲۰۱۱، اسد معترضان را خشونت‌طلب و اسلام‌گرایان افراطی خواند و هشدار داد که این گروه‌ها می‌خواهند بین فرقه‌ها تفرقه افکنی کنند. به تدریج این شیوه جواب داد. در ابتدا تمام فرقه‌ها در تظاهرات حضور داشتند، اما با گذشت زمان، علوی‌ها، مسیحیان و سایر اقلیت‌ها خود را کنار کشیدند. آنها به علاوه‌ی بسیاری از سکولارهای سنی یا طرف اسد را گرفتند یا بی طرف ماندند (The World Abetted Assad's Victory in Syria به نقل از دیپلماسی ایرانی).

ایدئولوژی: اسد همچنین از حمایت ایدئولوژیک برخوردار بود. در ابتدا اسد اصرار داشت که شورش‌ها، از خارج هدایت می‌شوند و آن قدر این حرف را تکرار کرد که برخی باورش کردند. بقیه نیز از بی‌ثباتی سیاسی ترسیدند. رژیم با وعده‌ی انجام اصلاحات جزئی،

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.9.0]

مانند ایجاد قانون اساسی جدید، حمایت مردم را جلب می‌کرد.

وفاداری سرویس امنیتی: عامل دیگر وفاداری نهادهای سوریه از جمله سرویس امنیتی به بشار اسد بود.

تفرقه و تعارض بین گروه‌های اسلام‌گرای افراطی: علی‌رغم تلاش‌های قدرت‌های خارجی در متحد کردن گروه‌های تکفیری، تفاوت‌های ایدئولوژیکی، به ویژه بر سر جایگاه اسلام‌گرایی، در این گروه‌ها باعث شد تا آنها از هم جدا و در برخی از جبهه‌ها علیه همدیگر وارد جنگ شوند.

۴-۲- عوامل خارجی

مهمترین حامیان خارجی بشار اسد کشورهای روسیه و ایران هستند. این دو کشور به طور پیوسته و به هر طریقی از او حمایت می‌کنند. روسیه ۱۲ بار از حق وتو در شورای سازمان ملل برای محافظت از اسد در برابر قطعنامه‌های غربی استفاده کرد. روسیه و ایران کمک‌های اقتصادی و نظامی حیاتی برای مقابله با تاثیرات تحریم‌ها و جنگ به اسد انجام دادند.

ایران: اتحاد ایران و سوریه برخلاف اتحادهای دیگر دارای دوام قابل ملاحظه‌ای بوده است. گر چه بسیاری به این اتحاد هویت مشترک شیعی را نسبت می‌دهند، اما تحلیل رایج بر وجود منافع استراتژیک ناشی از تهدیدات منبعث از دشمنان مشترک در اسرائیل، آمریکا و گروه‌های اسلام‌گرای افراطی اشاره دارد. این منافع استراتژیک باعث شد که تشدید بحران در سوریه تهدیدات فراروی امنیت ملی دو کشور را افزایش دهد. از این روی ایران حمایت خود از سوریه را نه در حوزه دیپلماتیک و سیاسی، بلکه در حوزه اقتصادی و نظامی پیگیری و دنبال کرد.

روسیه: در ابتدای بحران در سوریه نگاه روسیه نگاهی ناظر و خنثی داشت. به تدریج که بحران شدت گرفت و صف بندی‌ها در درون سوریه مشخص شد روسیه تلاش کرد نقش ناظر و میانجی‌گر را در مقابل کشورهای دیگر بازی کند. در این بین روسیه تلاش کرد نقش بین‌المللی خود را افزایش دهد و در دوره‌ای میزبان مخالفان سوریه بود و در اجلاس‌های بین‌المللی مشارکت می‌کرد. اما اقدامات در سوریه فراتر از تحولات داخلی بین جماعت ناراضی و حاکمیت بود و دسته‌بندی‌ها در سوریه مشخص‌تر شد و کشورهای عرب که

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.9.0]

حامی سیاست‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی در منطقه هستند دخالت‌های بیشتری داشتند و فشارها نیز بر سوریه بیشتر شد. از جمله دلایل حمایت روسیه از بشار اسد از بین بردن نظام تک‌قطبی آمریکا است. روسیه به صورت صریح در زمینه امنیت ملی و سیاست خارجی خود، به این امر اذعان دارد. مواضع و اظهارنظرهای پوتین و مقامات روس در سال‌های اخیر نیز نشان‌گر این بوده است که نظم تک قطبی و یک‌جانبه‌گرایی را در عرصه بین‌الملل نمی‌پذیرند و در این چهارچوب، چین را نیز در کنار خود می‌داند. دلیل دیگر نگرانی روسیه از سقوط اسد قدرت گرفتن اسلام گرایان افراطی در سوریه است. این امر به نوبه خود منجر به بی‌ثباتی بیشتر اوضاع در خاورمیانه و همچنین مناطق مسلمان روسیه می‌شود.

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.9.0]

۵- نتیجه گیری

با فروپاشی امپراتوری عثمانی، سوریه تحت استعمار فرانسه قرار گرفت. بعد از استقلال نیز دچار انفکاک و انقسام ساختاری و اجتماعی شد و در تأسیس نظامی مردم نهاد و هویت سیاسی مشترک و متجانس ناکام بوده است از این رو به خصیصه ناخوشایند و اختلاف افکن «نبود دولت ملی» مبتلا گشته است. این الگوی ناقص و معیوب منجر به برقراری نظامی شد که در آن فرهنگ سیاسی تقابل بر تعامل چیرگی یافت و تاریخ سیاسی پسا استقلال سوریه را با نزاع قدرت و بی‌اعتمادی و درگیری‌های متعدد و طولانی عجین کرد. به عبارتی سوریه به درازای استقلال خود دارای این ویژگی‌ها بوده است و اگر چه در برهه‌ای از زمان(از سال ۱۹۸۲. م تا ۲۰۰۰. م) ستیزه‌ای به وقوع نپیوست و نظام دارای ثبات سیاسی بود، اما این ثبات برخلاف یکی از عوامل ایجابی و قوام بخش آن یعنی رضایت مردمی، ناشی از سرکوب و سیاست مشت آهنین نظام بوده است بنابراین ثباتی شکننده و موقت و غیر نهادین بود و در پس پرده مخالفانی را می‌پروراند که در صدد تجهیز خود برای دستیابی به قدرت در زمان مقتضی و مناسب بودند. فساد گسترده اقتصادی، نظام تک حزبی و فرقه‌گرایی از ویژگی‌های بارز حکومت بشار اسد بوده که باعث نارضایتی گروه‌های زیادی از مردم شده و همواره زمینه بحران مشروعیت و بحران مشارکت را در این کشور فراهم آورده است. فرقه‌گرایی حکومت در کنار سرکوب سیاسی شدید که در واقعه‌ای مانند حماه ۱۹۸۲ هزاران کشته بر جای گذارد، زمینه نارضایتی شدید اهل سنت به ویژه جریانات مذهبی سنی را فراهم نموده است. در چنین شرایطی که بدون شک فضا برای قدرت‌گیری افراط‌گرایان تکفیری مهیا گشت، پاسخ نادرست و سرکوبگرانه حکومت به اعتراضات ۲۰۱۱، عملا زمینه قدرت‌گیری جریانات افراطی و گسترش خشونت را فراهم‌تر نمود. باید توجه داشت که در ابتدا، تحولات سوریه وجه مسالمت‌آمیز پررنگی داشته و جریاناتی چون داعش و یا النصره چندان محلی از اعراب نداشته و در حاشیه بودند. با این حال عملکرد حکومت نیز زمینه گسترش افراط‌گرایی و قدرت‌گیری رادیکال‌های تکفیری که در چنین شرایطی قابلیت مبارزه بیشتری دارند را فراهم نمود.

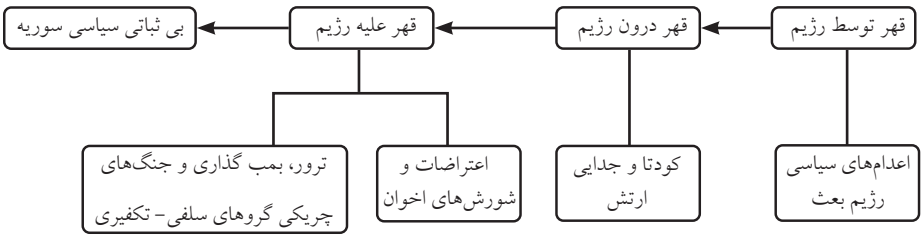
گروه‌های اسلام‌گرای افراطی با هدف براندازی حکومت بشار اسد و تاسیس خلافت و یا حکومت اسلامی، اقدامات و چالش‌های جدی را به نظام سیاسی سوریه وارد کردند.

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.9.0]

اقدامات آنها طیفی از اعتراضات مسالمت آمیز از جمله: اعتصابات، تظاهرات، تحرکات انتقادی مخالفان ،سخنرانی ضد حکومتی به وسیله‌ی رهبران فکری علیه بشار اسد تا غیر مسالمت آمیز از جمله: انجام عملیات انتحاری، ترور، کشتار دسته جمعی، بمب‌گذاری و جنگ‌های چریکی را انجام دادند. در مجموع گروه‌های اسلام‌گرای افراطی موفق به تغییر در حکومت (تغییر در کابینه و قوه مجریه) نظام سیاسی دوره حاکمیت بشار اسد شدند؛ اما با حمایت گروه‌های داخلی و کشورهای ایران و روسیه این گروه‌های افراطی موفق به تغییر در رژیم (تغییر در هنجار رژیم، نوع نظام حزبی و وضعیت نظامی□غیر نظامی) و جامعه (اقدامات تجزیه طلبانه موفق)در سوریه نشدند.

شکل۲) فرایند بی‌ثباتی سیاسی سوریه



(خواجه سروی و انصاری فرد، ۱۳۹۸: ۱۳۰

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.9.0]

۶- فهرست منابع

الف) فارسی

آجرلو، حسین (۱۳۹۰)، تحولات سوریه، ریشه و چشم‌اندازها، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، شماره ۶۶، پاییز، صص ۵۵ تا ۷۸.

خواجه سروی، غلامرضا(۱۳۸۲) *«رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران»*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

خواجه سروی، غلامرضا و انصاری فرد، حسین(۱۳۹۵) *«اسلام سیاسی افراطی و بی‌ثباتی سیاسی سوریه (دوره حاکمیت بشار اسد)؛ مطالعه موردی: جبهه سلفی-تکفیری»*، تهران: پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائی.

دکمجیان، هرایر(۱۳۹۵) «*جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب*» ترجمه حمید احمدی، تهران: انتشارت کیهان.

زرقانی، هادی و همکاران(۱۳۹۳) «بررسی و شناسایی متغیرهای موثر بر بی ثباتی نظام سیاسی»، *فصلنامه ژئوپلتیک*، س ۱۰، ش۳ ، پاییز ۹۳.

ساندرز، دیوید(۱۳۹۰) «*الگوهای بی ثباتی سیاسی*»، ترجمه حمید عنایت، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

عربی راوند،

فریدون(۱۳۹۵) «*سیر مناسبات اخوان المسلمین با حکومت سوریه*»، قزوین: پایان نامه ارشد دانشگاه بین المللی امام خمینی(ره).

عظیمی دولت آبادی، امیر(۱۳۸۷) «*منازعات نخبگان سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران*»، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

کرم‌زادی، مسلم(۱۳۹۵) «سلفی گری و آینده ثبات سیاسی در منطقه خاورمیانه»، *پژوهش های سیاسی جهان اسلام*، س۶، ش۱بهار ۹۵.

کوشکی، محمدصادق و کریمی، محجوبه(۱۳۹۳) «پارادوکس سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه»، *فصلنامه راهبرد*، دوره هفدهم، ش ۶۴.

محمودی لرد، عبدالمحمود(۱۳۹۲) «*عوامل موثر بر ثبات و بی ثباتی سیاسی ایران در دهه ۱۴۰۰*»، تهران: پایان نامه دکتری دانشگاه علامه طباطبائی (به راهنمایی دکتر ابراهیم برزگر).

نیاکوئی، سید امیر(۱۳۹۱)، «*کالبدشکافی انقلابهای معاصر در جهان عرب*»، تهران: انتشارت میزان.

نجات، سید علی(۱۳۹۶) «*بحران سوریه و بازیگران منطقه‌ای*»، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

نجات، سید علی(۱۳۹۷)، «*نوسلفی‌گری در سوریه*»، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

ب) عربی

الحاج، عبدالرحمن(۲۰۱۴) «*السلفیه والسلفون فی سوریه: من الاصلاح الی الجهاد*»، الدوحه: مرکز الجزیره للدراسات.

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.9.0]

الزیات، محمد مجاهد(۲۰۱۴) «سیطره المتطرفین؟ خریطه جماعات المعارضه المسلحه فی سوریا»، *مجله حاله الاقلیم*، المرکز الاقلیمی للدراسات الاستراتیجیه.

صایغ، یزید(۲۰۱۴) «*هل دخلت الثور المسلحه فی سوریه مرحله الانحسار؟*»، مرکز کارینغی فی سیاسات الشرق الاوسط.

طارق، قصی(۲۰۱۴) «*الدوله الاسلامیه فی العراق و الشام: داعش؟*» بغداد: مطبعه لیث فیصل للطباعه المحدوده.

نذیر، رضا (۲۰۱۴) « جبهه‌النصر توام داعش فی سوریا..یتشابهان عقائدیا و یختلفان فی تفاصیل» ، *جریده الشرق الاوسط*.

"The World Abetted Assad's Victory in Syria" www.theatlantic.com/international/archive/2018/08/assad-victory-syria

"Global terrorism index 2019", MEASURING THE IMPACT

OF TERRORISM; institute for economics & peace.

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۰۰۱۰۵

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید:

انصاری‌فرد، حسین؛ خواجه سروی، غلامرضا (۱۳۹۹)، «گروه‌های اسلام‌گرای افراطی و بی‌ثباتی سیاسی سوریه» *فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، س۱۰، ش۱، بهار ۹۹، صص ۱۲۴-۹۹

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.9.0]